



کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

۵۰ ریال

۱۳۶۲ آذرماه

سال اول - شماره ۲ - ضمیمه ۱

ضمیمه ۱

★ درباره

وظایف و خصوصیات

حزب کمونیست ایران

(گفتگوی با صدای انقلاب ایران)

منصور حکمت

★ درباره

وظایف هواداران حزب

(گفتگوی با صدای حزب کمونیست ایران)

خسرو داور

کارگران جهان متحد شوید!

درباره

وظایف و خصوصیات حزب کمونیست ایران

(گفتگوی با صدای انقلاب ایران)

منصور حکمت

هستند که از ماهیت طبقاتی نشان، یعنی از موجودیت آنها بعنوان حزب سیاسی طبقه کارگر انقلابی و از خصوصیات عینی اقتصادی و اجتماعی جامعه سرمایه داری در عصر ما نتیجه میشود، این احزاب، مستقل از اینکه، در چه زمانی و در چه کشوری مبارزه کرده اند، همه بنا به تعریف احزاب ضد سرمایه داری بودند، احزابی بودند که علیه استثمار و سرکشی و خرافه دهر شکنی که بوده و هست مبارزه کرده و میکنند، اما ویژگیهای شرایط اجتماعی و سیاسی در زمانهای مختلف و در کشورهای مختلف به حزبی که تحت این شرایط کار کمونیستی میکند، طبعاً ویژگیهای خاص خود را میدهد. الگوی ما از حزبی که میخواهیم بسازیم، حزب بلشویک لنینی است، اما شرایط امروز ما به نسبت شرایطی که حزب بلشویک در آن فعالیت میکرد، از نقطه نظرهای معینی متفاوت است (که ما باید آنرا) در سازماندهی حزب، خودمان به حساب بیاوریم.

رادیو صدای انقلاب ایران، رادیوی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - (کومله) در تاریخ ۲۰ شهریور ۶۲ با رفیق منصور حکمت عضو دفتر سیاسی حزب گفتگو - ویسی انجام داده است، رفیق حکمت در این گفتگو پیرامون خصوصیات ویژه حزب کمونیست ایران، تغییراتی که در برنامه حزب کمونیست ایران وارد شده، وظایف محوری حزب و هم چنین نیروهای سیاسی اپوزیسیون توضیحاتی داده است که ما در اینجا فشرده ای از این مصاحبه را بازگو می کنیم.

س - خصوصیات ویژه حزب کمونیست ایران، یعنی آنچه که حزب ما را از احزاب کمونیست پیشین متمایز میکند، چیست؟

ج - طبعاً احزاب کمونیست (واقعی) دارای خصوصیات پایدار و مشترکی

وجود آورند، این وضعیت به این معنا است که حزب کمونیست باید از استوارترین، باایمانترین و پیشروترین وفداکارترین انقلابیون و کارگران پیشرو تشکیل شود، حزب کمونیست باید خود را برای طولانیترین و خونینترین نبردها آماده کند، و این مستلزم وجود آوردن انضباط آهنین و خللناپذیر در درون حزب است. ما باید بدانیم که مبارزه در شرایط اختناق، جانبازی کردن، تبلیغ و ترویج و سازماندهی در تحت شرایطی که نبرد مسلحانه جریان دارد، یا در شرایط اختناق پلیسی که محکمترین پنهانکاریهای کمونیستی را ایجاد میکند، برای ما قاعده است، استثناء نیست، آنچه که عملاً در عصر ما استثناء است، شرایط دمکراتیک و شرایط فعالیت علنی است.

نکته دیگر خطت ضد رویزیونیستی حزب ما است. ما در شرایط فعالیت میکنیم که دهها سال است مارکسیسم و کمونیسم مدعیان دروغینی هم داشته است. اینها، یعنی رویزیونیستها، منحطترین عقاید و نظرات بورژوازی را تحت نام کمونیسم و سوسیالیسم تبلیغ و پیاده کرده‌اند، امروز در سطح جهان

آمادگی بورژوازی برای مبارزه علیه کمونیسم از جهات مختلف به نسبت اواخر قرن بیستم بیشتر است. امروز گویی بورژوازی در سطح جهانی، از کشورهای آسیایی و آفریقایی تا دول امپریالیست اروپا و آمریکا در یک حزب واحد اعلام نشده بر علیه کمونیسم متحد شده است و همواره مترصد در هم کوبیدن جنبش کمونیستی طبقه کارگر است. هر جای که کمونیسم به میان کشیده میشود با اصطلاح شیخ کمونیسم به پرواز درمی آید، هر نشانی از رقابت در بین کارتلها و انحصارات و دول امپریالیستی از میان میرود و همه بطور غریزی متحد میشوند و متحد عمل می کنند...

مبارزه کمونیستی برای طبقه کارگر، امروز با این واقعیت مواجه است که دشمن سازمان یافته است، سفاک است و ساز و برگ کافی را برای مقابله با جنبش کمونیستی تهیه دیده، طبعاً برای کمونیستهایی که میخواهند با نیروی طبقه کارگر، یعنی با نیروی دهها و صدها میلیون زن و مرد کارگر و زحمتکش در سراسر جهان بساط سرمایه داری را با همه این آمادگی و توانایی اش درهم بریزند... لازم است که آمادگیهای در صفوف خودبسه

کم نیستند که رگران و زحمتکشانی که کمونیسم را با تجربه احزاب باصلاح کمونیست چین و شوروی و سیاستهای آنها قضاوت میکنند از این مدعیان در واقع رسوا شده کمونیسم یعنی رویز-یونیستهای تمام عیار هم که بگذریم، با این واقعیت روبرو میشویم که در جهان امروز هر کسی خرده اعتراضی به این یا آن گوشه نظام موجود دارد، از کسی که در واقع نگران نبودن "صنایع مادر" در کشور است تا کسی که میخواهد برای مثال با مالیات را از دوش بازاریان بردارد، برای تزئین انقلابیگری نیم بند خودش از نام کمونیسم استفاده میکند و خود را مارکسیست می نامد، حال آنکه طبقه کارگر و حزب کمونیست او به تمام موجودیت جامعه سرمایه داری انتقاد و اعتراض دارند و برای زیر و رو کردن کل این نظام و جایگزینی آن با سوسیالیسم تلاش میکنند، بنا بر این حزب کمونیست ما، یعنی حزب کمونیست عصر ما، نمیتواند اساساً یک حزب ضد رویزیونیست نباشد و مبارزه آش برای شناساندن چهره واقعی مارکسیسم مارکس، انگلس و لنین به توده های طبقه کارگر و حفظ استقلال سیاسی و تشکیلاتی این طبقه تعطیل بردار نیست.

تنها این خصلت ضد رویزیونیستی حزب تضمین میکند که توده های طبقه کارگر به ابزاری برای به قدرت رسیدن طبقات دا را بدل نشوند...

واقعیات ۵ سال اخیر این را نشان میدهد که حزب ما برآستی از دل یک چنین مبارزه ای بیرون آمده، تجربه ای که من تصویر کردم، تجربه واقعی خود ما در ۵ سال اخیر بوده است، چه از نظر مبارزه ضد رویزیونیستی و چه از نظر مبارزه تحت شرایط دشوار و در نبردهای خونین واقعیت امروز حزب ما در شهرهای سراسر ایران، در کردستان انقلابی و در زندانها و شکنجه گاههای جمهوری اسلامی نشان میدهد که حزب ما از دل همین مبارزه با همین خصوصیات متولد شده و طبعاً همین مبارزه و همین خصوصیات را باید همواره برای خود حفظ کند.

س - برنامه حزب کمونیست ایران نسبت به متن قبلی تغییراتی کرده است، لطفاً درباره این تغییرات توضیح بدهید.

ج - اصلاحات پیشنهادی بر متن قبلی برنامه ما، که از جانب کمیته برگزار کننده و همینطور از جانب شرکت کنندگان در خودکنگره موسس پیشنهاد شد، حاصل

تقریب دو سال پراتیک و محک خوردن عملی برنامه بوده است. این اصلاحات که برای دقیق تر و کامل تر کردن برنامه صورت گرفته است به چند دسته تقسیم میشوند: (۱) اصلاحات انشایی جزئی که صرفاً متن را از نظر ادبی تقویت و محکم کرده است، (۲) اصلاحاتی که نفس تشکیل حزب کمونیست ایران آنرا ایجاب کرده است، زیرا در متن قبلی خود امر تشکیل حزب کمونیست در بند - های مختلف بعنوان گامی که باید در آینده برداشته شود ذکر شده بود، (۳) اصلاحات مضمونی جزئی که صرفاً در خدمت رسا تر کردن بیان برنامه - بیان بهتر نظرات برنامه‌های ما - انجام شده است و بالاخره (۴) برخی اصلاحات که از نظر محتوایی دارای اهمیت بیشتری است. بطور مثال بندی تصویب شد مبنی بر اینکه جمهوری انقلابی به مجرد استقرار باید مطالبات بخشهای سیاسی، اقتصادی و رفاهی و ارضی برنامه را بعنوان رئوس قوانین اساسی، قانون کار دمکراتیک و قوانین مربوط به رفاه اجتماعی اعلام کند. به این ترتیب کنگره جنبش و حزب را متوجه این امر میکند که کسب قدرت باید با اعلام فوری قوانین پرولتاریا برای

حراست و تضمین دمکراسی انقلابی همراه باشد. . . .

اصلاح دیگر در بند ۱۲ انجام شده است، بندی که به تعریف وظایف کمونیستها در کشورهای مختلف اختصاص دارد. این اصلاحیه بمنظور دقیق‌تر بیان کردن وضعیت طبقه کارگر و مبارزه پرولتری در اردوگاه شوروی و بلوک کشورهای اروپای شرقی وارد شده است.

اصلاحیه دیگر مربوط به بخش اقدامات اقتصادی جمهوری دمکراتیک انقلابی است. ما بروشنی صادره و ملی کردن سرمایه‌های انحصاری داخلی و خارجی و همین‌طور صادره و ملی کردن سرمایه‌ها در هر سطح که تحقق مطالبات کارگری و رفاهی و سیاسی برنامه ایجاب میکند را گنجانده ایم و تصریح کرده ایم. این بند به دو علت در برنامه گنجانده شده است. اولاً به این منظور که به آنچه که می‌خواهیم انجام دهیم صراحت و روشنی بیشتری می‌دهد. ثانیاً در مبارزه علیه مداخله سرمایه‌داری انحصاری دولتی به ما امکان میدهد بحث را درست بر سر نقطه اساسی، یعنی انگیزه سیاسی ما از ملی کردن (و نه نفس ملی کردن و یا

نکردن این بیان بنگاه اقتصادی) متمرکزکنیم. هواداران سرمایه‌داری انحصاری دولتی معتقدند که سرمایه - داری انحصاری دولتی به خودی خود یک آرمان اقتصادی در خود طبقه‌کارگراست، و یک صورتبندی و فرم خاص مالکیت خصوصی است که طبقه‌کارگر باید برای بوجود آوردن آن تلاش کند. به عبارت دیگر اینها ملی کردن را بعنوان یک هدف در خود، بعنوان یک شکل اقتصادی پیشرو در نظر میگیرند. ما در مقابل، از ملی کردن بعنوان ابزار تحقق مطالبات معینی سخن میگوئیم؛ یعنی ملی کردن برای مادر خدمت تحقق آن مطالباتی است که قبلاً در بخش حداقل برنامه قید شده و نمیتواند با تحقق آن مطالبات در تناقض قرار گیرد. ما امروز شاهدیم که برای مثال چگونه در لهستان ملی بودن صنایع و موسسات اقتصادی، در شرایطی که دولت بورژوازیی تام خود را دولت کارگری هم نهاده است، باعث میشود که مطالبات ابتدائی کارگران بتواند بسادگی در تبلیغات بورژوازی ضد منافع طبقه‌کارگر قلمداد شود.

(امثال راه‌کارگرا هم اکنون پافشاری بر این مطالبات را در "فردای انقلاب" اخلاگری می‌نامند). از نظر ما اینها، یعنی این اقدامات و مطالبات سیاسی و اقتصادی، نمیتواند با هم تناقض داشته باشد. هر نوع ملی کردن و صادره کردن باید در خدمت تحقق مطالبات کارگران باشد. طبقه‌کارگر نباید معنی ملموس و روزمره این ملی کردنها را در زندگی سیاسی و اقتصادی خود ببیند، باید این ملی کردنها توان و قدرت اقتصادی طبقه‌کارگر را افزایش دهد و موقعیت سیاسی او را در جامعه تحکیم کند، و نه اینکه نوع معینی از مالکیت خصوصی جای نوع دیگری را گرفته باشد. همانطور که گفتیم این به ما امکان میدهد تا بحث بر سر ملی کردن را در جای درست خود متمرکز کنیم و اختلاف نظر واقعی خود را با مدافعان سرمایه - داری دولتی برجسته‌تر کنیم.

در مجموع بنظر من این اصلاحات برنامه را راست‌تر، محکمتر، دقیقتر و فهم آن را آسانتر کرده است. من این را یکی از دستاوردهای مهم کنفرانس موسس میدانم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

سازماندهی، مناسبات درون تشکیلاتی
و غیره تشکیل بدهد.

نکته دیگر تقویت خصلت ضروییز -

یونیستی حزب است. حزب ما یک حزب
ضروییزیونیست است و اساساً به این

اعتبار میتواند به حیات موفقیت آمیز
خود ادامه دهد و به اهداف خود دست یابد.

تقویت و تحکیم خصلت ضروییزیونیستی
حزب شرط لازم توده‌ای شدن حزب ما نیز

هست. بنابراین لازم است تاکید کنیم
که ما باید در مرحله جدیدی از مبارزه بر

علیه رویزیونیسم با استحکام پایگذاریم.
چرا میگویم مرحله جدیدی از مبارزه؟

زیرا ما امروز در مبارزه علیه انحرافات
که سدره تشکیل حزب کمونیست بود،

موفق شده ایم. ما توانسته ایم سوئیا -
لیسم خلقی خرده بورژوازی را بطور کلی

از سر راه برداریم. تا این درجه که یک
صف متحد از ما رکسیست - لنینیست ها

بوجود بیاوریم که عزم کرده اند چرخش
حزب کمونیست ایران را متحقق کنند.

اما پیشروی در این مبارزه مستلزم
برخورد با اشکال پخته تر رویزیونیسم

... بویژه رویزیونیسم مدرن است.

ن - وظیفه محوری امروز حزب ما یعنی

آن هدف بلاواسطه‌ای که حزب

کمونیست ایران باید در این

مقطع به آن معطوف باشد چیست؟

ج - توضیح عرصه‌های فعالیت و نقشه
عملهای مختلف حزب در مقطع کنونی

مجال بیشتری میخواهد... در این
فرصت میتوان بر رئوس اصلی جهت -

گیریهای حزب اشاره کرد. اصلی ترین
وظیفه حزب در این دوره توده‌ای کردن

و کارگری کردن بافت حزب است. اگر
بناست یک شعار داشته باشیم... این

شعار توده‌ای کردن و کارگری کردن
تشکیلات حزب در این دوره است. ما باید

حزب امروز خود را به حزب متشکل کننده
و دربرگیرنده زنان و مردان کارگر

در مقیاس وسیع تبدیل کنیم... نفوذ
ما امروز در بین کارگران و زحمتگشان

هر قدر هم که قابل توجه باشد، از نقطه
عزیمت خوبی برای کار حزبی فراتر

نمی رود... محور اساسی کار ما در این
دوره همین است و این باید روح کلی

کار تشکیلاتی ما را از تبلیغ، ترویج،

برقرار باد جمهوری دموکراتیک انقلابی ایران!

ای کردن تشکیلات حزب است. ما باید حزب کمونیست را به حزب کارگران متشکل تبدیل کنیم. این شعار امروز ما است.

س - صف بندی نیروهای اپوزیسیون و از جمله نیروهای بی که تحت نسام ما رکسیسم فعالیت میکنند را چگونه می بینید؟

ج - اجازه بدهید ابتدا به اختصاصاً اشاره ای به سلطنت طلب ها بکنم. اینها آشکارا از منافع سرمایه انحصاری امپریالیستی دفاع میکنند. اعم از سلطنت طلبان آشکار نظیر جریبان امینی و بختیار و دیگران، تالیبرالهای جنبه ملی سابق که بعد از سقوط شاه تازه به محسنات رژیم سلطنتی پی بردند و هزار بار اینجا و آنجا از مزاحمت هایی که برای رژیم سلطنت ایجاد کرده بودند استغفار کردند... اگر رژیم خمینی همان رژیم شاه است که تزئینات مذهبی به خود نصب کرده و به آیات آسمانی متوسل میشود، سلطنت طلبها هم همان رژیم خمینی خواهند بود بدون حشو و زوائد مذهبی. یعنی یک رژیم سرکوب و اختناق مد روز، رژیم ژنرالها و ساواکیهای شق و رق و اطو کشیده - از نوعی که امروز در السالوادور،

و بالاخره، همانطور که قبلاً نیز گفتم مبارزه کمونیستی در دوره ما، که دشمن طبقاتی ما، بورژوازی، خود را به شدت در مقابل ما محکم کرده است بیش از پیش مستلزم بوجود آوردن استحکام آیدئو - لوژیک - سیاسی و انضباط آهنین - پرولتری در صفوف حزب است. ما باید کاملاً محکم و منضبط باشیم، از موانع نظری و عملی ای که در مقابل ما قرار میگیرند، سیم و دلسردی و متزلزل نشویم و برای پیشبرد وظایفی که بسیار دشوار است و اراده قوی، پیگیری، سرسختی دلسوزی میخواهد، محکمترین انضباط پرولتری را در حزب تامین و حراست کنیم...

اگر آنچه گفتم عملی کنیم، آنگاه اقدامات مختلف و سازماندهی مبارزه در وجوه مختلف، اعم از مبارزه مسلحانه، مبارزه در شرایط اختناق پلیسی در شهرها، مبارزه در عرصه تبلیغاتی و انترناسیونالیستی در خارج کشور، مبارزه و کار توده ای در کردستان و نظیر آن، برای ما کاملاً قابل اجراست. اما عدول از این جهت گیریهای اساسی به کارمالطمه میزند. بهر حال اگر بخواهیم یک شعار را پیش روی خود قرار دهیم همان شعار رکا رگری کردن و توده -

سیاسی اند، اما مجاهدین تنها اصلاحاتی جزئی وعده میدهند، آنهم در مقایسه با رژیمی که جنا یا تش به حدی است که دیکتا تورهای مثل پینوشه هم در مقابل آن اصلاح طلب بنظر میرسند. مجاهدین و شورای ملی مقاومت خواستار حکومت دمکراتیک و انقلابی توده مردم نیستند. مردم از ۵ سال حاکمیت مذهب بر حیات اجتماعی و سیاسی جامعه به خشم آمده اند، و اینها جمهوری اسلامی را با صفت "دمکراتیک" تعدیل میکنند. . . . مردم حکومت غیر مذهبی میخواهند آنها "مذهب دمکراتیک!" را پیشکش میکنند، کارگران قانون کار دمکراتیک می خواهند، آزادی اعتصاب، قدرتیابی شوراهای واقعی کارگری بر اقتصاد و سیاست، افزایش دستمزدها متناسب تورم و بیمه بیکاری می خواهند، مجاهدین در مقابل همه چیز را مسکوت میگذارند و فقط شوراهای مشورتی و حق اعتصاب با اجازه قبلی دولت! را وعده میدهند. مردم در کردستان قریب ۵ سال است که برای کسب حق تعیین سرنوشت، مسلحانه و به نیروی خودشان مبارزه می کنند، مجاهدین در عمل اجازه اداره شهربانی و شهرداری را به مردم کردستان وعده می دهند، آنهم با صدباری سرخ

اندونزی، فیلیپین و نظیر آن شاهد آن هستیم. بهر حال اینها میخواهند یکبار دیگر بخت خود را در ایران آزمایش کنند، با این امید که جنایات جمهوری اسلامی شاید تجربه دیکتا توری آریامهری را از ذهن مردم پاک کرده باشد، اما این مردم، مردم قیام ۲۲ بهمن اند و آماده اند که دنبال ماجرا را از همانجا که رها کردند بگیرند.

در بین حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست، و این احزاب مدافع سرمایه امپریالیستی، طیفی از نیروهای بینا بینی قرار دارند که بین انقلاب و ضد انقلاب و روی لبه باریک رفرمیسم تعادل خود را حفظ میکنند. قطب اصلی در این طیف شورای ملی مقاومت است که در مقیاس سراسری مجاهدین خلق محور اساسی آنرا تشکیل میدهد، وقتی از حائل شدن مجاهدین میان انقلاب و ضد انقلاب سخن میگوئیم، این یک شعار تو خالی و یک برجسب سیاسی نیست. نگاهی به برنامه و شعارهای این جریان و همچنین شیوه های آن برای کسب قدرت بخوبی صحت این گفته را نشان میدهد. کارگران و زحمتکشان ایران، یعنی اکثریت عظیم مردم ایران، خواستار تحولات جدی اقتصادی و

مبیردا زند و اطلاعی از سیاست دارند، بلکه بچه‌های دبستانی هم به روشنی ماهیت ضد کمونیستی اینهارا میشناسند. حساب اینها از کمونیسم و کمونیستها جداست. اینها بیشتر از آنکه احزاب سیاسی باشند، بنگاههای نمایندگی این یا آن بلوک بورژوازی نظیر چین و شوروی هستند.

دوم، جریاناتی هستند که علی‌رغم اینکه بعضاً وجه انقلابی خود را حفظ کرده اند و یا لا اقل درصاف اپوزیسیون قرار دارند، گرایشات و تمایلات قوی رویزیونیستی و تجدیدنظرطلبانه دارند. طیف چریکهای فدایی (اقلیت) و راه کارگریکی از این جریانات است. اینها در سیاستها و شعارهای روزمره خود عمدتاً نظرات و تمایلات خورده - بورژوازی شهری، و بعضاً، نظیر راه کارگر، منافع بورژوازی به معنی اخص کلمه را نمایندگی میکنند، ایده آل اقتصادی اینها اساساً سرمایه داری انحصاری دولتی تحت نظارت و هدایت یک حکومت با مصلاح خلقی است که از نقطه نظر سیاست خارجی و اقتصادی در ائتلاف با شوروی و کشورهای اروپای شرقی باشد. این جهت گیری طبعاً انعکاس توهمات ایدئولوژیک و سیاسی قوی آنها

کشیدن حفظ تمامیت ارضی "میهن عزیز" توده‌ها نیایا ز مندا کمیت مستقیم خود از طریق شوراها ی توده‌ای و قابل عزل و نصب بودن نمایندگان در تمام سطوح هستند، به تسلیح عمومی برای دفاع از حقوق دمکراتیک شان احتیاج دارند، در مقابل، مجاهدین رئیس جمهور و نخست وزیر "دمکراتیک اسلامی" از پیش تعیین شده و ارتش حرفه‌ای کلنل‌های مجاهد از پیش درجه گرفته را وعده می دهند. بعلاوه مجاهدین یک جا از ضرورت قیام توده‌ها سخن می گویند و در جای دیگر، در عمل و در سیاستهای عملی و روزمره شان، سیاست خود را کسب قدرت از بالا، "آلترنا تيو" شدن، آنهم از طریق جلب نظر و حمایت احزاب و دولت‌های سوسیال دمکرات اروپای غربی، قرار داده اند.

در مورد نیروهای مدعی مارکسیسم شاید بتوان آنها را چنین تقسیم بندی کرد: دسته اول، جریانات رسوا و آبرو باخته‌ای هستند که نمونه آن حزب توده و حزب رنجبران است. امروز شاید فقط رادیو اسرائیل این سازمانها را "چپ" یا "کمونیست" نام بگذارد. عملکرد این سازمانها چنان ارتجاعی بوده است که نه تنها کسانی که به سیاست

به بلوک شوروی است، و اینها از نقطه نظر ایدئولوژیک عداکثرا پوزیسیون مودب و بانزاکتی برای خط رسمی رویزیونیستی حزب به اصطلاح کمونیست شوروی هستند. طبعاً اینها دل خوشی از حزب کمونیست ایران نخواهند داشت، چرا که اولاً حزب ما مصمم به مبارزه قاطع علیه رویزیونیسم مدرن است، به احیای سرمایه داری در شوروی و تبدیل شوروی به یک قطب امپریالیستی در سطح جهان معتقد است و ثانیاً، حزب ما اجازه نمی دهد سرمایه داری انحصاری دولتی، یعنی نظامی شبیه آنچه در لهستان برقرار است، تحت نام سوسیالیسم به طبقه کارگر ایران تحمیل شود. حزب ما برای حکومت تمام و کمال کارگری و سوسیالیسم به معنی واقعی کلمه تلاش میکند.

نیروهای لیبرال چپ نظیر اتحادیه کمونیستها و حزب کار و غیره، موجودیت سیاسی و تشکیلاتی دیگری به جز احزاب یک کرسی فرمایشی در شورای ملی مقاومت ندارند و موضع حزب کمونیست در قبال آنها و موضع آنها در قبال ما

روشن است. و بالاخره باید به هسته ها و محافل پراکنده ناشی از اضمحلال سازمانهای موسوم به خط ۲، یعنی "پیکار..."، "رزمندگان..."، "وحدت انقلابی..." و غیره اشاره کرد. بنظر من این رفقا اگر به ورطه شکاکیت و آکا دمیسمدرن غلطیده باشند و اگر هنوز به منافع طبقه کارگر و انقلاب فکر میکنند، در تحلیل نهایی باید تا نقد دیدگاههای عموم خلقی و انقلابی پیشین خود، جای خود را در حزب کمونیست ایران پیدا کنند.

خطور کلی، در مقابل حزب کمونیست ایران قطعاً ما دام که رویزیونیسم به عنوان یک پدیده بین المللی باقی است، شعبات مختلفی از نیروهای رویزیونیستی که مدعی ما رکیسیم هستند، باقی خواهند ماند. اینها به سادگی کنار نمی روند و مقابلته با تحریفات و توهم پراکنی های آنها در میان طبقه کارگر و در سطح جامعه بطور کلی، همواره وظیفه حزب کمونیست ایران باقی خواهد ماند.

کارگران، به حزب کمونیست ایران بپیوندید!

درباره وظایف هواداران حزب

(گفتگوی صدای حزب کمونیست ایران)

خسرو داور

در سراسر ایران دارد، من مطمئنم که تعداد هواداران غیرتشکیلاتی مادر سراسر ایران بسیار بیش از آن تعدادی است که در حال حاضر بطور متشکل با ما کار میکنند، بخشی از این هواداران هم کسانی هستند که سابقاً بطور متشکل با سازمانها تیکه‌الان در حزب کمونیست ایران هستند، تماس تشکیلاتی داشته‌اند، اما چرا این هواداران پراکنده‌اند و ارتباط تشکیلاتی با ما ندارند؟ ضربات پلیسی سهم‌مهمی در این مساله داشته‌است. حتماً بخاطر دراید که زمستان سال پیش رژیم با چه شوق و شعفی اعلام کرد که چندین خانه با اصطلاح تیمی کومه‌له و اتحاد مبارزان کمونیست را گرفته و تعدادی از فعالین این سازمانها را دستگیر کرده‌است. و حتماً بخاطر دراید که رضائی فرمانده سپاه پاسداران با خوشحالی تمام این خبر را اعلام کرد و گفت که اینها می‌خواهند کمونیستها

را دیو صدای حزب کمونیست ایران در تاریخ ۲۰ مهر ماه ۶۲ گفتگویی با رفیق خسرو داور عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران انجام داد و وظیفه آن سولاتی را در مورد وظایف هواداران حزب در شهرها، نحوه ارتباط حزب با رفقای هوادار و چگونگی فعالیت حوزه‌های هواداران طرح نمود. مادر اینجا متن این گفتگورا منتشر میکنیم:

س - رفیق خسرو، حزب ما هواداران بسیاری در سراسر کشور دارد، اما برخلاف وضعیتی که دو سال قبل شاهد بودیم، امروز رفقای هوادار عمدتاً پراکنده‌اند و ارتباط تشکیلاتی ضعیفی با حزب دارند. علل این پراکندگی هواداران چیست؟ وجه عواملی این وضع را بوجود آورده‌است؟

ج - بله حزب ما هواداران بسیار زیادی

سختی را علیه فعالیت خود فرض بگیریم، در واقع ما باید بتوانیم تحت چنین شرایطی و حتی شرایط بدتر از این شبکه سازمانی حزب را در میان کارگران گسترش بدهیم، و هر کس را که بخواهد با حزب کار کند بطور متشکل در خدمت اهداف حزب سازمان بدهیم.

در واقع آنچه اینجین بیکه باعث میشد روابط تشکیلاتی ما تا این حد در مقابل حملات پورژوازی ضربه پذیر بشود سبک کار تشکیلاتی خود ما بود. سبک کار غلطی که ما از جنبش چپ رایج و سازمانهای بزرگ و بظاهر موفق، بدون هیچگونه نقدی، اقتباس کرده بودیم و از آن تقلید میکردیم. ما بسیار پیش از تاسیس حزب این روشهای غلط را شناختیم، آنها را نقد کردیم و کنار گذاشتیم.

من فقط به یک جنبه از اثرات سبک کار غلط گذشته اشاره میکنم. از نظر ما رابطه تشکیلاتی، رابطه حزبی بین دو فرد زحمتکش، بین دو کارگر داخل یک تشکیلات کمونیستی، داخل یک حزب کمونیست عالیترین نوع رابطه است. وقتی میگوییم عالیترین نوع رابطه است، به این خاطر است که افراد در جامعه بطور طبیعی روابط متنوعی با یکدیگر دارند، و پیوندهای متنوعی با

و جیبی ها را دور هم جمع کنند و کنگره ای تشکیل بدهند، و به این ترتیب خطر بزرگی از بیخ گوش اسلام ردا شده است. اینها نشان میداد که جمهوری اسلامی چه نیروی زیادی را بسیج کرده و چه هجوم وضعی را علیه نیروهای برنامهدار حزب، که بر استی خطرناکترین دشمنان بورژوازی و رژیم مدافع آن هستند، تدارک دیده بود. این دستگیریها اگر اتفاق نمی افتاد ما وضعیت مسا عدتری میداشتیم برای اینکه هواداران زاکه میخواستند با ما کار کنند، بطور متشکل و فعال در رابطه با خود ما نگاهداریم. اما فقط دستگیریها باعث این جدایی و پراکندگی نبوده است. خود ما، بخاطر ملاحظات امنیتی، از خیلی از رفقای مرتبط با خود خواستیم که از تشکیلاتهای ضربه خورده فاصله بگیرند و پس از مدتی که این تشکیلاتها با زسازی شد، در یک وضعیت بهتر با تشکیلات ارتباط بگیرند.

اما اگر بخواهیم بگوئیم که این ضربه ها علت اصلی این پراکندگی و بی ارتباطی است اشتباه کرده ایم. چون چنین ضربه ها و فشارهایی از طرف دشمنان طبقاتی ما، شرایط کار ما هستند. ما باید همیشه وجود چنین شرایط

اکراه داشتند، و آنها نیکه می آمدند، معمولا در مقابل دوستان و آشنایان خود که احتمالا آنها هم زحمتکش بودند با این نقد مواجه میشدند که کمونیستها بی عاطفه میشوند، این نقد عا میانه اشاره به یک واقعیتی دارد، این همان واقعیتی است که قبلا گفتم.

بهر حال حاصل این بود که با برقرار شدن یک پیوند تشکیلاتی رابطه این دو نفر در عمل ضعیف تر و شکننده تر می شد، اینطور بگویم که دور رفیق تشکیلاتی در گذشته رابطه شان بمراتب ضعیف تر و شکننده تر و غیر قابل اتکاء تر بود از رابطه دو کارگری که با هم همکار بوده و با هم نان و نمک خورده بودند، این رابطه تشکیلاتی بمراتب شکننده تر بود از رابطه دوبرادر غیرسیاسی، منظور ما این است که این سبک کارنا درست، که من فقط یک جنبه از اثراتش را تذکرادم، ما را در مقابل ضربات دشمنان حساس و ضربه پذیر میگرد.

اما نه فقط خود این سبک کار بطور مستقیم، بلکه میراث آن هم یکی از علتها می است که هواداران ما الان با ما فاصله دارند، و این است که وقتی ما دست به کار تغییر روشها میمان شدیم، دست به کار رگزارگذاشتن آن روشها

هم برقرار میکنند، پیوند تشکیلاتی، یعنی پیوند حزبی، با بدبهر روابط سابق موجود بین افراد اضافه شود، آن روابط را متحول کند، تکامل دهد و بنا بر این یک رابطه محکمتر و یک پیوند ناگسستنی ترین این افراد بوجود بیاورد، حال آنکه در تشکیلاتهای نوع قدیم، این پیوند تشکیلاتی به آن روابط قدیم اضافه نمی شد، بلکه عملا وقتیکه چنین رابطه ای بین دو نفر ایجاد میشد، روابط قدیم آنها را، روابط طبیعی آنها را تخریب میکرد و از بین میبرد، فی المثل وقتیکه یک کارگر به یک تشکیلات می پیوست، ارتباط خود را با همکارانش از دست می داد، گاهی شغل خود را هم از دست میداد، ارتباط با دوستان و آشنایان و اقوامش را از دست میداد، از پدر و مادر و همسر و فرزندش هم فاصله میگرفت، این شایدها فعالیت چریکی منطبق می بود، اما در تشکیلاتهای غیر چریکی به مخفی کاری تعبیر میشد، خود زحمتکشانی که میدانستند بدلائل واقعی و عینی نمیتوانند از هم سرنوشتان خود، از فرزندان و پدران و مادران شان براحتمی فاصله بگیرند، از اتخاذ این روشها و بطور کلی از روی آوری به کار تشکیلاتی

حزب کمونیست برای تجدید سازمان هواداران از همان الگوهای سابق و روشهای گذشته استفاده میکند؟ مثلاً از نوع آن روابطی که دوسه سال قبل در سازمانهایی مثل پیکار و فدائی و رزمندگان و نظیر اینها بین هواداران و سازمان وجود داشت؟

ج - خیر به هیچوجه. همانطور که گفتم مدتهاست که در تشکیلات خودمان علیه این روشها مبارزه میکنیم، و علاوه بر این با انتشار مقالات متعدد سعی کردیم که همه فعالین جنبش را از ادامه این شکل کار با زبدا ریم. چرا که در غیر اینصورت سرنوشتی جز شکست نصیب آنها نخواهد شد. تشکیلاتهایی که از آنها نام بردید یا آن تشکیلاتهای قدیمی، هم در اهداف و هم در سیاستهایشان با ما تفاوتهای فاحش داشتند و در نتیجه روشهای کار سازمانی ما هم نمیتواند مثل آنها باشد.

اگر بخواهم مقایسه مختصری بکنم باید بگویم که آنها هدفشان به سرنگونی رژیم محدود میشود، آنها عملاً اعتقادی به اینکه همین انقلاب دمکراتیک هم کار توده‌هاست نداشته‌اند و انقلاب را هم تنها برای با طبقه معینی مرتبط نمیکردند.

شدیم و خواستیم که مثل یک حزب و مثل کمونیستها به فعالیت بپردازیم، متوجه شدیم که بعضی از رفقای سازمانی ما در اثر تدابیر و این روشها تمام ارتباطات طبیعی خود را با آن مردمیکه به خاطر آنها زندگی میکردند و کشته می شدند از دست داده و تبدیل شده اند به کسانی که نه کار داشتند، نه مسکن، نه خانواده، نه دوست، نه آشنا، نه کسیکه در این شهر به این بزرگی بطور موثر از آنها حمایت کند، همه دورا دورا اینها را دوست داشتند، ما از خود این رفقا هم خواستیم که از تشکیلات فاصله بگیرند و روابط اجتماعی خود، روابط طبیعی خودشان را بسط و گسترش داده و برای پراتیک از نوع حزبی آماده شوند، اینها علت پراکندگی هوادارانی بود که قبلاً با ما تماس داشتند، همه این علتها مربوط به گذشته اند.

امروز من میتوانم به جرات بگویم ما آماده ایم تا هر رفیق فعال و کمونیستی را که بخواهد با ما تماس داشته باشد، در تماس و ارتباط قرار دهیم و این تماس و ارتباط را بطور مستمر باقی و پابرجا نگهداریم.

س - در مورد تجدید سازمان هواداران یک سؤال مهم این است که: آیا

حساب اهداف ما از پیش تعیین کرده اند و این نیاز دائمی ما به کار تعطیل - ناپذیر و مستمردر میان کارگران - کمابیش شکل پایه ای تشکل ما راهم مشخص کرده است. ما کسانی را سا زمان میدهیم که به این اهداف و شیوه ها اعتقاد داشته باشند و به آنها عمل نمایند. سا زمان های پوپولیت با کسانی که ا توریته آنها را نمیپذیرفتند و یا در مقابل این ا توریته مقاومت میکردند عملا قهر میکردند. حال آنکه ما خودمان را موظف میدانیم با هر کارگر آگاهی که این وظایف را پیش روی خود گذاشته است تماس بگیریم، ارتباطمان را محکم بکنیم و خودمان در این کار پیش قدم باشیم.

ما الان برای این ارتباط گیری و برای سا زماندهی هواداران طرحهای مشخصی داریم. در این طرحها، که طرح سا زماندهی حزبی است، ما هوادارانی را در نظر داریم که میخواهند به صفوف حزب وارد شوند. این هواداران باید کمیونیتسهای فعالی باشند و بنا بر این تعریف، باید ارتباطهای گسترده ای با کارگران و زحمتکشان، یعنی کسانی که میخواهند آنها را آگاه و متشکل بکنند برقرار کرده و برقرار نگه داشته باشند.

ما رزه آنها هم به طبقه و توده ها متکی نبود بلکه به نیروی خودشان، به نیروییکه در سا زمان گرد آورده بودند متکی بود. از این لحاظ هیچ مانعی وجود نداشت که سا زمان دست به عملی که میخواهد بزند، از تظاهرات خیابانی گرفته تا فتح دانشگاه و قیام و رفتن و جنگیدن در جنگلهای شمال، بنا بر این تنها معیار این سا زمانها برای عضویت و کار متشکل در این سا زمانها، قبول هر چه بی قید و شرط ترا توریته سا زمان بود. یعنی هر کسی میخواست به آن شیوه کار کند و مبارزه کند ناگزیر بود با سا زمان تماس بگیرد و اعلام آمادگی کند. و سا زمان هم شکل و مضمون و محتوای فعالیت او را تعیین کند. برای ما همه اینها بنحود دیگری تعریف میشود.

ما کمیونیتسها نه فقط در ایران بلکه در همه جای دنیا، برای رهایی طبقه - مان و برای سوسیالیسم مبارزه میکنیم. ما میدانیم که شرط تحقق این هدف آن است که طبقه کارگر انقلاب کند و قدرت را بدست بگیرد. بنا بر این وظیفه خودمان را آگاه کردن و سا زمان دادن کارگران و هدایت مبارزه آنها در جهت رسیدن هر چه سریعتر به قدرت قرار داده ایم. مضمون مبارزه ما را با این

میخواهیم که با دویا سه نفر از رفقای مثل خودشان در محل سکونت یا محل کار کارگران، حوزه‌های کمیونستی بسازند. با حزب تماس بگیرند و با اتکاء به رابطه ای که خودشان با حزب برقرار کرده‌اند، رابطه توده‌های محل فعالیتشان را با حزب برقرار رنگهدارند و رابطه حزب با این بخش از کارگران را عمق و گسترش دهند. علاوه بر این، کار دائمی حزب را در رابطه با کارگران محل فعالیتشان پیش ببرند. اگر آنها نشان دهند که میتوانند وظیفه یک حوزه حزبی را به خوبی انجام دهند، حوزه آنها از جانب حزب بعنوان یک حوزه حزبی برسمیت شناخته میشود. و در این صورت این حوزه‌ها با تشکیلاتهای محلی حزب در ارتباط قرار میگیرند. و در صورتیکه در آن شهرها یا در آن مناطق تشکیلات حزبی وجود نداشته باشد، خود حزب با اتکاء به حوزه‌های که به این ترتیب بوجود می‌آیند و به این ترتیب به رسمیت شناخته میشوند تشکیلاتهای محلی را ایجاد میکنند.

باید تذکر بدیم که این طرح همانطور که گفتیم طرحی است که ما پیش روی فعالینی میگذاریم که میخواهند به حزب پیوندند. هوادارانیکه میخواهند به حزب خدمت

آنها باید مبارز باشند، مبارزه همان معنا و با همان هدفی که گفتم. و اینرا باید تا درجه‌ای اثبات کرده باشند. یک شاخص مادی برای اینکه قضاوت کنیم که این مبارزه تا کجا پیش رفته و چه محصولی داده است این است که آنها دست کم باید بتوانند با شما از بیین کارگرانی که با آنها زندگی و کار میکنند چند نفر را با اهداف حزب آشنا کرده و به کار حزبی و متشکل در خدمت هدف‌هایی جلب کرده باشند.

شکل عمومی حزب ما در اساسا سنا مه مشخص شده است. حزب یک سازمان سراسری متکی به تشکیلاتهای محلی است. و در جای دیگری از اساسا سنا مه هم گفته شده است که سلول پایه این تشکیلات حوزه است که در محل کار زندگی کارگران بوجود می‌آید. ماهمه هواداران را، هواداران را که میخواهند به صفوف حزب پیوندند به ایجاد این حوزه‌ها در میان کارگران، در محل زندگی و کار کارگران، فرا میخوانیم. حزب نیاز به کارمستمر و مداوم و پیگیر در میان کارگران دارد و آنها باید با تشکیل دادن حوزه‌ها و پیوستن به حزب هرچه وسعت تر نفوذ حزب را گسترش دهند.

ما از همه این رفقای هوادار

کنند و نمیتوانند این وظایف را بعهده بگیرند هم مورد توجه ما هستند، ماطرحائی هم برای مرتبط کردن اینگونه هواداران با حزب داریم، آنها هم خیلی کارها میتوانند برای حزب و در خدمت حزب انجام دهند. من امیدوارم که فرصت دیگری باشد که مشخص تر راجع به وظایف این دسته از هواداران صحبت کنیم و به آنها بگویم که چه کارهای مهمی میتوانند برای حزب انجام دهند.

س - در مورد وظایف حوزه های هوادار و همچنین در مورد شیوه های فعالیتی که این حوزه ها باید اتخاذ کنند، توضیحات بیشتری بدهید.

ج - با توجه به وقت کمی که هست اجازه دهید که من بند ۴ اساسنامه را که در آن تعریف حوزه و وظایف حوزه بروشنی بیان شده برایتان بخوانم. "فصل سوم - ساختمان تشکیلاتی ... ماده چهارم: حوزه، ۱- سلول پایه حزب کمونیست ایران حوزه است که در محل کار و سکونت کارگران و زحمتکشان با شرکت حداقل سه عضو تشکیل می گردد، ۲- حوزه ها موظفند: رابطه حزب با توده ها را برقرار کرده و گسترش دهند،

به حزب اعضای جدید جلب نمایند، برنامہ و سیاستهای حزب را تبلیغ کنند، نشریات و اوراق تبلیغی حزب را پخش کنند، جمع آوری مستمر کمکهای مالی را سازمان دهند، کارگران و زحمتکشان محیط فعالیت خود را مطابق رهنمودهای حزبی متشکل کنند و فعالیتهای خود را منطبقا به حزب گزارش کنند."

این چیزی است که در اساسنامه حزب نوشته شده است، علاوه بر اساسنامه، جزوهای بنام "اصول و سبک کار حوزه - های حزبی" قبلا منتشر شده که بعد از تشکیل حزب هم به تائید دفتر سیاسی حزب رسیده است، این جزوه درباره هر کدام از این وظایف توضیحاتی میدهد، شکل و شیوه انجام هر کدام از وظایف حوزه را روشن میکند، شاخصهای عینی و کمی موفقیت حوزه را در انجام هر یک از این وظایف ذکر میکند و بالاخره مشخص میکند که حزب از حوزه اش در ماه چه گزارشی را میخواهد و در این گزارش به چه نکاتی توجه دارد. من به تشریح آنچه در این جزوه گفته شده نمیپردازم، فقط خواندن این جزوه را به همه هواداران حزب توصیه میکنم و از ادیوی حزب هم میخواهم که گهگاه این جزوه را برای

تغییراتی را که در کار رگبران محیط فعالیت خود ایجاد میکنند، در نظر بگیرد. بنا بر این باید از پراکنده کاری و موقت کاری بشدت اجتناب کند و خودش را با کل حزب اشتباه نگیرد. حوزه باید به اسناد حزب، به نشریات و اوراق تبلیغی حزب دسترسی داشته باشد، اگر جز این باشد، یعنی اگر، حوزه بدون چنین ارتباطی با حزب و ارگانهای سراسری فعالیت کند، عملاً فعالیتش تا سطح فعالیت یک محفل ترویجی تنزل پیدا میکند، همین الان را دیو میتواند این خلاء را تا درجه ای پر کند.

از ملزومات دیگر فعالیت حوزه این است که افراد حوزه باید ارتباط هر چه گسترده تری با کارگزاران و زحماتکشان محل فعالیتشان داشته باشند. باید خودشان بعنوان عضوی از جامعه، جایگاه طبیعی و عادی داشته باشند، وظایف حوزه بدون اینکه افراد حوزه این روابط طبیعی را داشته باشند و همین روابط را بستری بوند خودشان و حزبشان با طبقه کارگر قرار دهند، مقدور و میسر نیست. و بدون این ارتباط وسیع کارگری یا کارگرانی که در محیط فعالیتشان زندگی میکنند عملاً هیچکدام از وظایف حوزه قابل انجام

هوا دارند جدید مجدداً پخش کند. اما اینکه حوزه برای انجام وظایفش به چه ملزوماتی نیاز دارد، اول اینکه افراد حوزه باید جایگاه و اهمیت وظایف کمونیستی خود را درک کنند، باید جایگاه و اهمیت اهدافی که ما بعنوان یک جریان کمونیستی در میان طبقه کارگر پیش روی خودمان قرار داده ایم را درک کنند، از آنکسیونیسیم دست بکشند و بفهمند که همین کارها تکیه حزب از حوزه ها میخواهد، کناره های مبارزاتی انقلابی و کمونیستی هستند. کسانی باشند که بدون هیچ تردیدی به این واقعیت ایمان داشته باشند که کارگران برای رهایی قطعی خود به حزب قوی، به آگاهی و تشکل، بسیار بیشتر از حواله و اضافه دستمزد و امثالهم نیاز دارند. و البته جایگاه و ارتباط هر کدام از اینها را با یکدیگر درک کنند. دیگر اینکه حوزه باید حکمت حضور دائمی خود در میان بخش معینتری از کارگران را درک کند. اگر چه هر کدام از افراد حوزه بعنوان یک منروج، بعنوان یک سازمانده با هر رفیق کارگر دیگر خود در جاهای دیگر کشور و شهر خود با دتماس فعالیت داشته باشد، اما به عنوان یک حوزه، بویژه باید

شدن نیست .

س - هما نگونه که میدا نیم حوزه ها با ید تحت نظارت حزب قرا رگیرند ، از چند و چون کا ر خود گزارش بدهند ، نشریات را دریا فت کنند و کلا اینکه حوزه ها با ید ارتباط محکمی با حزب داشته باشند ، برای تا مین و حفظ این ارتباطات چه تدابیر و راهها یی در نظر گرفته شده است ؟

ج - برای هدایت از نزدیک و حسابرسی از هر حوزه ، بطور تشکیلاتی با ید بطور مشخص نقشه داشت ، و این خود قبیل از تماس داشتن با آن حوزه ها و شناختن امکانات و ویژه گیها یشان میسر نیست . اما بطور کلی برای هدایت و رساندن نشریات بدست فعالین و حوزه های حزب ما امکانات متعددی داریم .

اول همین رادیوست که ما در آن نشریات حزبی را میخوانیم ، و رهنمود های کلی را هم با استفاده از رادیو به همه میدهیم . به همین دلیل همه هواداران و حوزه های ما با جدیت تمام با ید به برنامه های رادیو گوش

دهند ، هم رادیوی صدای انقلاب ایران و هم صدای حزب کمونیست ایران . دیگر توزیع و ارسال نشریات حزبی در سطح شهرها و محلات کارگبری است . ما این کار را بطور مستمر انجام خواهیم داد ، میتوانم قول بدهم که اگر حوزه ها و فعالین با کارگران ارتباط گسترده داشته باشند ، میتوانند بهر طور نشریات حزب را نزدیکتر و از رفقای شان پیدا کنند . ما آدرسهای علنی خود را در خارج کشور در اختیار همه هواداران و همه کارگران قرار دادیم که آنها هر وقت بخواهند میتوانند از این طریق هم به ما نامه بنویسند . اگر فعالین و حوزه های هوادار با استفاده از این آدرسها و با در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی نشانی خودشان را بدست ما برسانند ، ما میتوانیم بنحوی تضمین شده تر نشریات را بدستان برسانیم . و علاوه بر این ترتیب کارهای دیگری را هم بدهیم . اگر چنین آدرسهای را ندارند یا نمیتوانند بما بدهند ، میتوانند ۳۰۰ - ۲۰۰ آدرس از آدرسهای محل

بشکل حوزه های حزبی متشکل شوید!

آنوقت در محل به تشکیلاتهای محلی حزب و نمایندگان محلی حزب متصل میشوند و همه این کارها را میتوانند از نزدیک و با سهولت بیشتری انجام دهند.

س - اگر صحبتی دیگر با هواداران، یا پیامی برای آنها دارید، بگوئید.

ج - پیام من برای رفقا پیام حزب است. حزب از همه ما خواسته است که کاری کردن حزب را در دستور بگذاریم. ما باید کاری کنیم که هر جا که کارگران هستند، در هر بخشی از طبقه، پیشروترین آنها به حزب بپیوندند و با حزب باشند. حزب ما در طرح چنین فراخوانی فقط تشکیلات خودش را در نظر نداشته است. بلکه این کلیدی روزی همین انقلاب هم هست. این شرط سراسری شدن میازات کارگران و زحمتکشان ایران علیه همین رژیم هم هست. بنا بر این من از همه هواداران میخواهم که علاوه بر کارشانه روزی و بکار بردن حداکثر خلاقیت و ابتکار در این زمینه، گوش به رهنمودهای عمومی حزب داشته باشند. همه این رهنمودها را جدی بگیرند و به


کونت کارگران را در محله‌شان برای ما پست کنند. ما سعی میکنیم نشریات حزبی را به همه این آدرسها برسانیم و آنها هم میتوانند نحوه این نشریات را از دوستان هم محله‌ای‌شان دریافت کنند.

از این گذشته حزب در یکی از مناطق ایران فعالیت علنی دارد، یعنی در کردستان، هر رفیق هواداری که بخواهد با ما تماس گرفته و قول و قرار بگذارد، میتواند بده کمک و راهنمایی زحمتکشان کرد، خودش را به کردستان آزاد برساند، و با فرستاده‌ای را بفرستد تا با مقرهای پیشمرگان کومله، مقرهای سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، تماس بگیرد تا ترتیب مکاتبات یا ملاقاتش با رفقای مسئول داده شود، همانطور که گفتیم اینها اقداماتی هستند که برای برقرار کردن آن پیوند نزدیکی که حوزه بعنوان جزئی از تشکیلات با بدنه حزب باید داشته باشد، لازم است. ما برای کنترل و هدایت با یدروابط نزدیکتری را ایجاد کنیم و اینکار را هم خواهیم کرد. همانطور که قبلا اشاره کردم اگر حوزه‌ها در اثر فعالیت خود بعنوان یک حوزه حزبی برسمیت شناخته شوند،

میکنم که هواداران دیگر را بسه
شنیدن را دیوی حزب و تبعیت کردن از
رهنمودهای حزب فرا بخوانند. آدرسهای
علنی ما را در اختیار آنها بگذارند.
حرفهای حزب را برای آنها توضیح
بدهند. برای همه این رفقا و همه کارگران
شریف ایران آرزوی سلامتی و پیروزی
میکنم.



←
آنها عمل کنند. اگر بر رسمیت شناخته
شدن توسط حزب مثل یک عضو یا مثل یک
حوزه نیازمند پرا تیک و پیروسه معینسی
است که احتیاج به زمان دارد، خود را
متعلق به حزب دانستن احتیاج به زمان
ندارد. از همین امروز، مثل یک ما مور
حزب مثل یک عضو حزب عمل کنید
من از همه رفقای که صدای من را
می شنوند میخواهم با زهم تا کنید



کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

ما هانه منتشر میشود

هیات تحریریه: ف. پرتو

حمید تقوایی

مصوب حکمت

شعب زکریائی



برنامه حزب کمونیست ایران

مصوب

ککزه مؤسس حزب کمونیست ایران

تیرماه ۱۳۶۲

را بخوانید



کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

را بخوانید و به دست رفقای کارگر خود برسانید

رادیو صدای انقلاب ایران

طول موج : ۴۹ متر برابر با ۶/۴ مگا هرتز

۴۱ متر برابر با ۷/۲ مگا هرتز

ساعات پخش:

بهدار ظهر: ۱۲:۴۵ تا ۱:۳۰ بزبان کردی

۱:۳۰ تا ۲ بزبان فارسی

مغرب: ۴ تا ۴:۴۵ بزبان کردی

۴:۴۵ تا ۵:۱۵ بزبان فارسی

به صدای حزب کمونیست ایران

گوش فرادهدید

صدای حزب کمونیست ایران آغاز به کار کرده است. برنامه های رادیویی ما هرروزه در ساعت ۹ بعد از ظهر روی طول موجهای ۴۹ متری پخش میشود. آغاریکار رادیو صدای حزب کمونیست ایران، ساعات پخش و طول موجهای آنرا به اطلاع همه برسانید. نامه ها، نظرات و اخبار خود را برای صدای حزب کمونیست ایران بفرستید. ما در کردستان انقلابی منظر در برنامه های شما هستیم. نامه های خود را به دست بینترگان باریان کردستان حزب کمونیست ایران (گومه له) برسانید و با ا طریق آدرسهایی که در این نشریه اعلام شده است برای ما ارسال دارید.

۱ - آدرس سوئد

P. O. BOX 1409
75144 UPSALA 1
SWEDEN

۲ - آدرس آلمان

POST FACH 501142
5000 KÖLN 50
W-GERMANY

لازم است از روشن اطلاعاتی که میتوانند باعث شناسایی افراد و یا ماکر آنها از طرف پلیس شود، در نامه ها و روی پاکتها خودداری کنید. هم چنین بهترین راه برای اطمینان بیشتر از رسیدن نامه ها بدست ما، از هر نامه حداقل دو نسخه به طور جداگانه ارسال دارید.

با نشریه کمونیست مکاتبه کنید!

کارگران، مردمان انقلابی ایران! نظرات و مطالب خود را در ساره مقالات کمونیست، اخبار و رویدادهای مربوط به مبارزات روزمره مردم و بزه مبارزات کارگری، معملات و مسائلی که در زندگی و مبارزات خود با آن مواجه هستید و تجربیاتی که در این مورد کس کرده اید و کلا در مورد هر مسأله ای که فکر میکنید میتوانستما را در انعام و طایعمان باری دهد، برای ما ارسال دارید.

نامه های خود را از هر طریق که مناسب میدانید به نشانی زیر برای ما بفرستید!

زنده باد سوسیالیسم!